

نگاه

مخاطرات اجرای «فاز دوم»

**حسین درودیان**
دانشجوی دکتری اقتصاد

اصلاح نظام پرداخت پارانه‌ها یکی از پربحث‌ترین موضوعات در عرصه سیاستگذاری اقتصادی در کشورهای مختلف بوده است. در این نوشته در پی آن هستیم که به‌طور کوتاه با اتکا به نتایج کلی این تجربیات و مطالعات دانشگاهی در ادبیات اقتصاد پارانه، قضایوی درخصوص فراهم بودن الزامات تحقق اهداف هدفمندی پارانه‌ها در گام دوم و در مقطع کنونی ارائه کنیم. به قاعده اختصار، از بررسی تمامی موضوعات قابل بحث ذیل این موضوع اجتناب کرده و به چند میحت کلیدی اشاره می‌کنیم. الزامات تحقق اهداف هدفمندی پارانه‌ها را به سنت تحلیل اقتصاد خرد، می‌توان در دو حوزه «تولیدکننده» و «مصرف‌کننده» تفکیک کرد. در بعد مصرف‌کننده با این موضوع روبه‌رو هستیم که خوارها با افزایش قیمت انرژی و تورم حاصله، بخشی از قدرت خرید خود را از دست داده و نیاز به جبران دارند. اهداف عدالت‌جویانه طرح عمدتا مربوط به این بخش است. بعد دوم به تولیدکنندگان اختصاصی دارد که در اثر افزایش قیمت‌های انرژی با افزایش هزینه تمام‌شده و فشار هزینه روبه‌رو خواهند شد. اهداف مربوط به افزایش کارایی و بهره‌وری به این حوزه مرتبط است. به افزایش موضوع اصلاح نظام پارانه‌ها، دو پاشنه آشیل اصلی در تحقق اهداف طرح‌های اصلاحی پارانه‌ای را شناسایی کرده است. اولین تهدید که مربوط به بخش مصرف‌کننده (خانوار) است، «عدم شناسایی اقشار هدف» برای پرداخت پارانه نقدی است. «قابلیت شناسایی گروه‌های هدف و امکان اجرایی تبعیض در پرداخت» به عدالت است. این مقصد، مستلزم وجود بانک‌های اطلاعاتی مطمئن، در کنار پذیرش هزینه سیاسی عدم‌پرداخت به دهک‌های فاقد استحقاق از سوی دولت و در عین حال برقراری شرایط سیاسی-اجتماعی بایات‌برای کمینه‌سازی و هضم اعتراضات احتمالی است. دقت شود که عمده افراد فاقدصلاحیت دریافت پارانه نقدی در بین اقشار کلان شهرنشین هستند که بیش از سایر طبقات اجتماع قدرت جریان‌سازی و اعتراضی دارند. چنانچه به دلیل فراهم نبودن تمامی الزامات اعمال این تبعیض عادلانه، دولت اقدام به پرداخت نقدی به بخش عمده‌ای (یا تمامی!) جمعیت کند، عملا اهداف عدالت‌خواهانه طرح به‌طور معناداری به چالش کشیده شده و از حیث فشار بر بودجه دولت و افزایش هزینه‌های عمومی (و به تبع آن رشد نقدینگی و تورم)، شرایطی بهتر از گذشته حاصل نخواهد شد.

اما در سطح تولیدکننده و در تحقق اهداف طرح در زمینه بهبود بهره‌وری و کارایی، پاشنه آشیل اصلی مربوط است به موضوع «جایگزینی سرمایه» بخش‌های تولیدی و بسته به درجه انرژی‌بری، پس از افزایش قیمت‌ها تحت فشار قرار خواهند گرفت. هدف دولت از اعمال این فشار، بازسازی ساختار تولید و جایگزینی سرمایه (تجهیزات و ماشین‌آلات) با به تعبیر فنی‌تر «تغییر تکنولوژی» است. این هدف نیازمند دو پیش‌شرط اصلی است: اولاً به دلیل هزینه‌بهر بودن تغییر تکنولوژی و جایگزینی سرمایه، واحدهای اقتصادی در این شرایط به منابع مالی قابل توجهی نیازمند می‌شوند به این علت که اصولاً تغییر تکنولوژی و ساختار تولید با استفاده از درآمد جاری بنگاه ممکن نیست. بنابراین در این مرحله حساس، دولت باید منابع مالی (ریالی و ارزی) وسیع و بلندمدت به صورت کم‌بهره یا بدون بهره (و حتی در برخی موارد بلاعوض) در اختیار تولیدکنندگان قرار دهد. ثانیاً تحقق هدف جایگزینی سرمایه و تغییر تکنولوژی مستلزم روان بودن تجارت خارجی و مراودات اقتصادی است تا در جریان آن تولیدکننده بتواند به تکنولوژی و ماشین‌آلات جایگزین کم‌مصرف و به‌روز دسترسی یابد. این شرط به ویژه برای کشورهایی که خود، به‌طور عمده تولیدکننده تکنولوژی و ماشین‌آلات صنعتی و کشاورزی نیستند (نظیر کشور ما) بیشتر موضوعیتی می‌یابد. به علاوه روان بودن تجارت از حیث لزوم وارد آوردن فشارهای رقابتی به تولیدکنندگان برای اتمام آنان به تغییر ساختار تولید اهمیت دارد زیرا تولیدکننده انحصارگر انگیزه دارد تا بدون اصلاح ساختار تولید، به راحتی افزایش هزینه‌ها را به مصرف‌کننده منتقل کند. تاملی اندک در پیش‌شرط‌های اساسی فوق روشن می‌کند که شرایط عمومی کشور زمینه کافی برای تحقق اهداف اصلاح نظام پارانه‌ها هم از حیث کارایی و هم عدالت، را دارا نیست. در بعد خانوار نیز به دلایل مختلف اقتصادی و غیراقتصادی، پرداخت یکسانی به تمامی خانوارها انجام می‌گیرد که این‌ طرح ضربه‌ای اساسی به تحقق هدف عدالت توزیعی طرح بوده و وازه «هدفمندی» را اساساً بی‌سما می‌کند. به علاوه فشار هزینه‌ای ناشی از این پرداخت فراگیر، توان حمایت مالی از تولیدکنندگان را نیز به تحلیل می‌برد. چالش در عرصه تولید افزون‌تر است. کشور از حیث منابع مالی ارزی و ریالی در شرایطی نامساعد برای تحقق زمینه جایگزینی سرمایه و اصلاح تکنولوژی بنگاه‌ها شرایط نامانع مالی قرار دارد. به علاوه صرفنظر از موضوع تأمین مالی، اساساً انجام مبادلات و مراودات اقتصادی به‌خصوص در مورد تکنولوژی و ماشین‌آلات، دارای محدودیت و بعضاً غیرممکن‌است.

از این رو با عنایت به اصول و بدیهیات تجربی و عقلی در موضوع مورد بحث، تحقق اهداف طرح موسوم به هدفمندی پارانه‌ها در فاز دوم در شرایط فعلی غیرممکن به نظر می‌رسد. بهتر است به سنت اطبا، جراحی مذکور به زمان صحت و سلامت نسبی بیمار و ثبات بیشتر جسمی و روحی او موکل شود تا مانند گام اول، سیل محدودیت‌های ناشی از انواع شوک‌های وارده به اقتصاد ایران، تمامی دستاوردهای کوچک و بزرگ اولیه طرح را با خود نبرد.

سایه فتحی: بورس‌بازی و سفته‌بازی اگرچه در جامعه ایرانی پدیده تازه‌ای نیست و سال‌هاست عدداً از این طریق درآمد‌های هنگفت به دست می‌آورند اما در سال‌های اخیر به‌ویژه در یکسال گذشته با توجه به شرایط اقتصادی در پی افزایش نرخ ارز و تورم و سیاست ناکارآمد مدیریت اقتصادی کشور، با رشد مواجه شده است. درحال حاضر شاهدیم در بازارهای اقتصادی چون ارز، طلا، سهام، خودرو و مسکن این بورس‌بازان هستند که با هجوم به هر یک از این بازارها نه‌تنها اوضاع و احوال اقتصاد را برهم زده‌اند و با قیمت‌های نجومی مواجه کرده‌اند بلکه در زمینه اجتماعی نیز با زیر پا گذاشتن حقوق شهروندی آرامش شهر و کیفیت زندگی شهروندان را با خطر روبه‌رو کرده‌اند. بخش مسکن و مستغلات شهری نیز از این قاعده مستثنا نیست. در حال حاضر

رشد بی‌سابقه قیمت مسکن و مستغلات در کلانشهر تهران بیشتر از آنکه از قاعده طبیعی عرضه و تقاضا تبعیت کند حاصل رشد بورس‌بازی زمین است. پدیده مخربی که از عدم پایبندی دولت و مدیریت شهری به قانون و رعایت حقوق شهروندی نشأت گرفته است. حتی دکتر «عباس آخوندی» در تشریح وضعیت بخش مسکن در سال‌های اخیر بیشتر از آنکه پارهای از مشکلات را از ناحیه اقتصاد کلان بداند در اقتصاد شهری و حقوق شهروندی ریشه‌هایی می‌کند. وزیر مسکن دولت سازندگی معتقد است: «باید به مقوله شهر و شهروندی در جامعه ایران به‌طور ویژه پرداخت چرا که درحال حاضر بسیاری از مشکلات اقتصادی، سفته‌بازی و بورس‌بازی و آلودگی هوا از این ناحیه در نتیجه نادیده گرفتن حقوق شهروندی رخ داده است. این مشکلات در شهری چون تهران در حال گسترش است و این پدیده تنها خاص شهرهای ایران است که حقوق شهروندان به سادگی خریدوفروش می‌شود.» در ادامه مشروح گفت‌وگو با دکتر «عباس آخوندی» درباره شهر و حقوق شهروندی و اوضاع و احوال بخش مسکن را می‌خوانید:

۴ در سال‌های اخیر با وجود رشد جمعیت شهرهای ایران بسیاری از نیازهای شهروندان به‌ویژه در زمینه تأمین مسکن پاسخ داده نشده است. به‌طور کلی مسکن چه جایگاهی در حقوق شهروندی دارد؟

تغییر و تحول جمعیتی در ایران یکی از تحولات ساختاری اجتماعی است که مطرح است. در زمانی، جمعیت ایران را ۷۰ درصد روستاییان و ۳۰ درصد شهرنشینان تشکیل می‌دادند اما اکنون این نسبت تغییر کرده و بیش از ۷۰ درصد جمعیت ایران شهرنشین است. ۳۰ درصد روستایی هستند. با در نظر گرفتن افزایش کل جمعیت ایران، قدر مطلق جمعیت شهری نسبت به اوایل انقلاب چهار برابر شده است. بنابراین مسایل پیرامون توسعه شهرنشینی و از همه مهم‌تر مسایل شهر و شهروندی موضوعات بسیار مهمی هستند که در ایران به آنها کمتر پرداخته شده است و اکنون به‌رم آنکه با تبعات آن دست و پنجه نرم می‌کنیم هنوز حاضر به بررسی ریشه‌های بنیادین آن نیستیم. شهروندان در شهرها از اهمیت بالایی برخوردارند. اساساً شهروندان عناصر تشکیل‌دهنده شهر هستند و نه ساختمان‌ها و خیابان‌ها. یعنی همان چیزی که ما در عمل جایله‌جا کرده‌ایم. شهر و حقوق شهروندی را می‌توان در قالب امنیت، دسترسی به هوای پاک